خراسان شمالی

روزنامه خراسان شمالی؛ گروه چهارم نشریات
روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی
پنج شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰
۲۳ رمضان ۱۴۴۲ . شماره ۳۵۴۶

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی‌زاده
دفترمرکزی: مشهد،بلوارشهیدصادقی(سازمان‌آب)

صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱
نمابردبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵-۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهرچاپ‌خراسان

آدرس: بجنورد،خیابان طالقانی غربی،خیابان صمدیه لباف، صمدیه لباف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹
تلفن اشتراک: ۳۲۲۳۰۰۷۱
کدپستی: ۹۴۱۵۹۵۶۵۹۶
دفترمرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵

تحریریه: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۲۲۲۱۱
نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۳
مسئول تحریریه: ۳۲۲۳۰۰۲۸
تلفن و نمابرسرپرست: ۳۲۲۳۰۰۱۴

حوادث

ماجرای دزدی که سرقت را از خانه مادربزرگش شروع کرد

گفتگو با سارق خودروهایی که مشتری خودرو شما شد

صدیقی

عبرتی در کارش نبود و هر بار بعد از آزادی از زندان در کمترین زمان دوباره در مسیر خلاف قدم می گذاشت. در واقع اولین قدم سیاهش را با دستبرد به اموال مادربزرگش برداشت. قدم اشتباه دوم را پدرش با طرد کردن پسرش به جای دستگیری وی برداشت و او را آواره کوچه و خیابان کرد. پسر جوان می گوید: سرقت های بعدی ام از زمانی شروع شد که دزد موتورسیکلت ام را برد و سر این ماجرا به اصطلاح راه تلافی جویانه از مردم را به واسطه سرقت از آن ها انتخاب کردم. در جزیره تنهایی خودش در زندان گیر افتاده و نزد خانواده جایی و نزد فامیل اعتباری ندارد. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با سارق خودرو می خوانید.

چه شد سر از زندان درآوردی؟

به خاطر سرقت خودرو و لوازم جانبی آن زندانی شدم.

آیا اعتیاد و سابقه کیفری داری؟

به شیشه اعتیاد داشتم. در واقع به خاطر همین روزگارم سیاه شد. به جرم سرقت چند بار سابقه کیفری دارم.

چقدر سواد داری و شغل ات چه بود؟

تا مقطع دیپلم بیشتر درس نخواندم. انواع شغل ها از قبیل پیک موتوری، کله پزی و ساندویچی را تجربه کردم که در هر کدام از آن ها بیشتر از چند ماه دوام نمی آوردم، یعنی هر جا بیشتر حقوق می دادند سریع کارم را رها می کردم و به آن جا می رفتم.

اولین بار چرا دست به سرقت زدی؟

حدود ۲۰ سال داشتم که به پدرم گفتم کمک ام کند تا یک ماشین بخرم اما قبول نکرد. بعد از این اتفاق عصبانی شدم و از خانه مادربزرگم سرقت کردم که در کمترین زمان لو رفتم. پدرم به خاطر این کارم از من شکایت کرد و چند ماه به زندان افتادم.

چطور شد به سرقت هایت ادامه دادی؟

داخل زندان با خلافکارها آشنا شدم. در واقع مدام نحوه خلاف های شان داخل گوشم می پیچید. ناخواسته حرف های شان مرا تحریک می کرد تا بعد از آزادی از زندان راه آن ها را ادامه دهم. بعد از این که بار اول به خاطر سرقت از مادربزرگم زندانی شدم دیگر از طرف خانواده طرد شدم و کسی به من محل نمی گذاشت.

بچه طلاق بودم و با پدرم پیش مادربزرگم زندگی می کردیم. بعد از آواره شدن دنبال کاری بودم که جای خواب داشته باشد، برای همین مزدش کم بود. بعد از مدتی کار در یک پیتزا فروشی با ضمانت یکی از دوستانم به صورت قسطی یک موتورسیکلت خریدم. هنوز زمان پرداخت اولین قسط اش نرسیده بود که روزی در حین تحویل سفارش، زمانی که داشتم دنبال آدرس مشتری می گشتم یک لحظه از موتورسیکلت ام غافل شدم و بعد از آن موتورم با تمام سفارش های مشتریان به سرقت رفت. بعد از آن صاحب کارم پول پیتزاها را از حقوقم کم کرد و دست از پا درازتر از آن جا اخراج شدم. بعد از آن آواره کوچه و خیابان و کارتن خواب و به خاطر همین قضیه و همچنین سرقت موتورسیکلت ام خیلی عقده ای شدم. تصمیم گرفتم دست به سرقت موتورسیکلت بزنم تا تلافی کرده باشم. بعد از سرقت موتورسیکلت مدتی با آن در داخل شهر مسافرکشی می کردم و به خاطر ترس از دستگیری آن را می فروختم. چون اعتیادم زیاد بود پولش را خیلی زود تمام کردم و تصمیم گرفتم این بار به جای موتورسیکلت، خودرو سرقت کنم، برای همین از یک کلیدساز کلید یک پراید را خریدم.

چطور خودروها را به سرقت می بردی؟

وقتی کلید خودرو را از کلیدساز خریدم با آن چند ماشین را امتحان کردم تا این که یک خودرو باز شد. بعد از آن به دنبال سرقت لوازم و محتوای داخل خودروها رفتم. اغلب نیمه شب داخل کوچه های تاریک و کم تردد می رفتم و با شکستن شیشه ماشین ها محتوای داخل آن ها را به سرقت می بردم. بعضی از مواقع که صدای دزدگیر خودرو می آمد، داخل آن پنهان می شدم و صاحب خودرو برای بررسی علت آن از پنجره خانه نگاه و فکر می کرد گربه یا حیوان دیگری است و با قطع کردن صدای دزدگیر دوباره می خوابید. بعضی از مواقع که گشت پلیس در آن اطراف بود داخل شمشادها پنهان می شدم تا خودروی پلیس از منطقه دور شود و دستگیرنشوم. البته چند بار به خاطر سرقت های خرد دستگیر و زندانی شدم اما خیلی زود آزاد شدم.

چرا هر بار بعد از آزادی از زندان دست از خلاف نمی کشیدی؟

دلم نمی خواست به دنبال اعتیاد و سرقت بروم اما بی توجهی و حمایت نکردن خانواده باعث می شد آواره کوچه ها شوم. وقتی نه پولی داشتم و نه سرپناهی دوباره مجبور می شدم سراغ سرقت بروم و برای فرار از حرف های زننده مردم مواد مصرف می کردم تا همه چیز از یادم برود.

آخرین بار چطور دستگیر شدی؟

آخرین بار که یک خودروی پراید سرقت کردم با آن به محله های خلوت و باکلاس می رفتم تا محتویات داخل خودروها را سرقت کنم چون آدم های پولدار برعکس محله های ضعیف خیلی به نکات ایمنی خودروهای شان توجه نمی کنند. شبی که بعد از سرقت ضبط و وسایل داخل خودروها در حال برگشتن بودم ناگهان با دیدن خودروی پلیس ترسیدم و دستپاچه شدم. به خاطر همین ناگهان تغییر مسیر دادم که پلیس شک کرد و بعد از مدتی تعقیب و گریز مرا در یک خیابان بن بست گیر انداخت و دستگیر شدم.

عبرت

زندگی مشترکی که با ناباروری زن به بار ننشست

صدیقی- زندگی مشترک یک زوج جوان به خاطر ناباروری زن در مسیر بن بست قرار گرفت. زوج جوان که با علاقه زندگی مشترک شان را آغاز کرده بودند، بعد از گذشت سال ها به خاطر بچه دار نشدن عشق بین شان به سردی گرایید و سر از دادگاه خانواده درآوردند.

زن جوان دل شکسته دفتر زندگی اش را ورق می زند و می گوید: از چه بگویم؟ از سرنوشت تیره و سیاهم یا از شوهر بی مهرم که ناگهان پشت ام را خالی کرد و مرا تنها گذاشت؟ یک عمر با عشق با هم زندگی کردیم و برای همسرم چیزی کم نگذاشتم تا نزد خانواده و دوستانش سربلند باشد اما دلم را شکست. همه چیز از یک آزمایش لعنتی شروع و دنیایم تیره و تار شد. زمانی که دکتر گفت برای بچه دار شدن به سال ها زمان نیاز دارم ناگهان ته دلم خالی شد و از آن روز به بعد منتظر از هم پاشیدن زندگی مشترک مان بودم. خودم را باخته بودم اما همسرم که انگار هنوز در گوشه ای از قلب اش جایی داشتم به من امید می داد که می جنگیم تا به خواسته مان برسیم و اگر هم موفق نشدیم از طریق درمان بچه دار شویم یا قبول سرپرستی یک بچه این مشکل را حل خواهیم کرد. اوایل خیلی گریه و بی تابی می کردم اما با دلداری های شوهرم به زندگی مشترک مان امیدوار شدم و از آن روز به بعد تمام سعی خودم را کردم تا به آرزویم برسم. سال ها طول کشید اما درمان جواب نداد و باید راه دوم را می رفتیم و آن هم آوردن یک نوزاد از شیرخوارگاه بود. همه چیز به خوبی پیش رفت تا این که شوهرم ناگهان تغییر مسیر داد و ناسازگاری در پیش گرفت و روز به روز از هم دورتر شدیم. این ماجرا ادامه داشت تا این که راز بی مهری همسرم را فهمیدم؛ پای یک عشق دیگر در میان بود. شوهرم بعد از این که فهمید من از ماجرا باخبر شده ام آب پاکی را روی دستم ریخت و گفت که بچه می خواهد، آن هم بچه خودش را. یا باید با هوو کنار می آمدم یا این که از همسرم جدا می شدم. مانده بودم بر سر دوراهی که چه باید بکنم. بعد از مشورت با خانواده ام به دادگاه آمدم تا ببینم چطور می توانم با زندگی مشترک مان کنار بیایم؛ جدایی را انتخاب کنم یا به زندگی در کنار هوو رضایت بدهم.

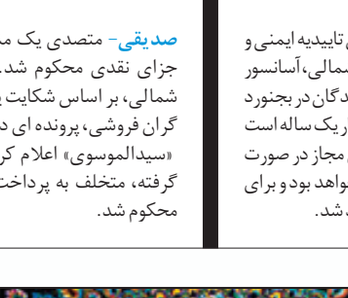

چرب زبانی برای سرقت

صدیقی- یک کلاهبردار زمانی که به خرید انواع پارچه از یک مغازه اقدام کرد با چرب زبانی موقع پرداخت وجه به بهانه برداشتن کارت بانکی از داخل خودرویش به سرعت پا به فرار گذاشت و فروشنده را در شوک فرو برد. بنا بر اظهارات مال باخته، ماجرا از این قرار است که وی در یکی از محله ها مغازه پارچه فروشی دارد و در روز حادثه یک فرد کلاهبردار وارد مغازه او می شود و با چرب زبانی شروع به تعریف و تمجید از فروشنده به خاطر اجناس باکیفیت و قیمت مناسب آن ها می کند. خریدار حقه باز در حین تعریف و تمجید از فروشنده هر بار بعد از خرید یک نوع پارچه آن را به بهانه عجله داشتن داخل خودرویش می گذارد و دوباره به مغازه بر می گردد. فرد کلاهبردار بعد از خرید چند میلیون تومان جنس، در زمان حساب و کتاب به بهانه این که کارت بانکی اش را در داخل خودرو جا گذاشته است از مغازه خارج می شود اما در یک لحظه ورق بر می گردد و خریدار در چشم به هم زدنی پا به فرار می گذارد. مال باخته که هنوز در شوک چگونگی فریب خوردن از خریدار کلاهبردار است، می گوید: در روز حادثه فرد کلاهبردار با ظاهری موجه وارد مغازه ام شد و با چرب زبانی کلی از من تعریف کرد و گفت که اگر به او تخفیف ویژه ای بدهم به غیر از خودش چند نفر از دوستانش را هم به من معرفی خواهد کرد. بعد از آن خریدار حقه باز هر بار که یک نوع پارچه می خرید به بهانه این که جلوی دست و پا را نگیرد آن را داخل خودرویش می گذاشت. بعد از اتمام، فرد کلاهبردار موقع حساب و کتاب دستش را داخل جیب اش کرد و به بهانه این که کارتش را داخل ماشین جا گذاشته با عذرخواهی از من خواست صبر کنم تا کارت بانکی اش را بیاورد. من هم که اعتماد کرده بودم قبول کردم و به محض این که فرد کلاهبردار سوار خودرویش شد با روشن کردن آن و دست تکان دادن برای من به سرعت از محل دور شد.

پلمب آسانسور یک مجتمع اقامتی

صدیقی- آسانسور یک مجتمع اقامتی به خاطر دریافت نکردن تاییدیه ایمنی و نواقص بحرانی پلمب شد. به گفته مدیر کل استاندارد خراسان شمالی، آسانسور یک مجتمع اقامتی به منظور حفظ ایمنی و سلامت استفاده کنندگان در بجنورد پلمب شد. «مهمان نواز» اعلام کرد: تاییدیه آسانسور دارای اعتبار یک ساله است و در صورت سرویس نشدن به شکل مستمر توسط شرکت های مجاز در صورت بروز هر گونه حادثه ای مسئولیت آن بر عهده مدیر ساختمان خواهد بود و برای دریافت خسارت از شرکت های بیمه ای با مشکل رو به رو خواهد شد.

جریمه یک مشاور املاک

صدیقی- متصدی یک مشاور املاک به خاطر گران فروشی به پرداخت جزای نقدی محکوم شد. به گفته مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی، بر اساس شکایت یک نفر علیه یک متصدی مشاور املاک به خاطر گران فروشی، پرونده ای در این باره در تعزیرات تشکیل شد.

«سیدالموسوی» اعلام کرد: پس از بررسی پرونده و احراز تخلف صورت گرفته، متخلف به پرداخت ۴۴ میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم شد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شهرداری شیروان

شهرداری شیروان به استناد موافقتنامه شماره ۱۲۱ ع ۱۵۰۲۰۰۲ در نظر دارد پروژه اجرای پیاده رو سازی محور مرکزی شیروان را با مبلغ اولیه پیمان ۱۱,۲۰۸,۱۸۶,۹۴۹ ریال است که به صورت اسناد بند "ب" تبصره (۵) به صورت نقدی را از طریق مناقصه عمومی یك مرحله‌ای و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ستاد به آدرس www.setadiran.ir را به پیمانکاران دارای صلاحیت حقیقی و حقوقی واجدالشرایط واگذار نماید.

(شماره فراخوان و مناقصه در سامانه - ۲۰۰۰۰۰۵۴۲۱۰۰۰۰۰۲ تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۰۲/۰۸)

شرایط شرکت در مناقصه:

۱. ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه را طبق جدول ذیل (ضمانت‌نامه بانکی یا واریز نقدی به حساب سپرده ۰۱۰۶۳۷۰۵۰۹۰۰۸ بانك ملی شعبه شهرداری شیروان) تهیه نمایید.

۲. مهلت اخذ اسناد از سامانه: از تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۶ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۸ می‌باشد.

۳. **آخرین مهلت ارائه پاکت‌های پیشنهادی بارگزاری در سامانه ستاد:** تا ساعت ۱۳ روز پنج شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۳۰ می‌باشد.

۴. مبلغ خرید اسناد مناقصه ۷۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که از درگاه بانکی موجود در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام می‌گیرد.

۵. سپرده نفرات برنده اول، دوم و سوم، تا انجام عقد قرارداد نزد شهرداری باقی خواهد ماند و اگر چنانچه نفرات اول، دوم و سوم از انجام عقد قرارداد به هر دلیل انصراف دهند سپرده آن‌ها به ترتیب ضبط خواهد شد.

۶. **جلسه بازگشائی پاکت‌ها:** روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۱ ساعت ۹ صبح در محل شهرداری تشکیل خواهد شد.

۷. مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه می‌باشد و تا ۳ ماه دیگر قابل تمدید است.

۸. شهرداری در رد یا قبول هر یك از پیشنهادات مختار است.

۹. آدرس و زمان تحویل اصل تضمین شرکت در مناقصه علاوه بر بارگزاری در سامانه می‌بایست به‌صورت فیزیکی و در پاکت دربسته و ممهور، حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۳۰ به دبیرخانه کمیسیون معاملات مناقصه گزار در آدرس فوق‌الذکر تحویل و رسید دریافت شود.

۱۰. ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۱۵۱۸۴۳۲۸۸ مهندس کاظم پور تماس و به سایت اینترنتی www.shirvan.ir مراجعه نماید.

۱۱. شماره تماس پشتیبانی سامانه: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ تماس با دفتر ثبت‌نام در سامانه اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان خراسان شمالی ۳۲۲۲۵۹۵۵-۰۵۸ داخلی ۲۲۵ آقای مروتی.

ردیف	عنوان پروژه	مدت پیمان	صلاحیت مورد نیاز	برآورد اولیه	مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه	شماره مناقصه
۱	پروژه اجرای پیاده رو سازی محور مرکزی شیروان (مرحله اول مناقصه)	۶ ماه	حداقل گرید ۵ ابنیه	۱۱/۲۰۸/۱۸۶/۹۴۹ ریال	۵۶۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۴۰۰/۳

شاهرخ شاهرخی– شهردار شیروان

م الف/۱۱۳۱۹۰۸

۱۴۰۰۰۸۰۹۹/و

۹۹۰۶۶۶۷۰/و